



گفت وگو با دکتر «علی کیانی راد» رییس موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی

## ضرورت توسعه کشاورزی هوشمند به تغییر اقلیم

دکتر علی کیانی‌راد، رییس موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی در گفت‌وگو با ما، کارنامه بخش خصوصی در کشاورزی را با توجه به سیاست‌گذاری دولت‌ها در حوزه زنجیره ارزش در ایران، قابل‌قبول ارزیابی می‌کند و می‌گوید که شاید مهم‌ترین چالش در فضای اقتصاد کشور، عدم به‌کارگیری بخش خصوصی در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌هاست. تصمیمات کلان به‌گونه‌ای گرفته می‌شود که منافع کل فعالان زنجیره ارزش که قطعاً دارای تعارض‌اند، با یک مصالحه منجر به منفعت جمعی نمی‌گردد. بهره‌وری کل عوامل تولید نیز در ایران به دلیل عدم نفوذ کامل دانش و فناوری در زنجیره ارزش محصولات کشاورزی، پایین‌تر از کشورهای هم‌تراز از نظر منابع پایه است و با فناوری‌های سنتی عملاً خودکفایی، امنیت غذایی و پایداری منابع پایه، برای تولید محصولات کشاورزی و غذا حاصل نمی‌شود.

بهتر کشاورزی از منابع پایه، تنوع زیستی و محیط‌زیست شروع می‌شود تا به مرحله تولید، پس از آن جمع‌آوری، بعد از آن فرآوری و توزیع و درنهایت به سلول مصرف‌کننده می‌رسد. نکته اساسی این است که در کل این فرآیند بخش خصوصی متولی اصلی زنجیره است و دولت نقش بسترساز و حمایت‌کننده

تعریفی که از بخش کشاورزی وجود دارد، تعریفی است که شورای انقلاب داشته است. در این تعریف، کشاورزی تنها فعالیت تولیدی محصولات زراعی و باغی با استفاده از آب و زمین است. این در حالیست که تعریف جامع از بخش کشاورزی، عبارت است از زنجیره ارزش کشاورزی و غذا از ژن تا سلول؛ به عبارت

♦♦ فعالیت‌های بخش کشاورزی عمدتاً غیردولتی و در دستان بخش خصوصی است، ارزیابی شما از توفیق بخش خصوصی در این عرصه چیست؟

ابتدا لازم است تا به یک تعریف جامع از بخش کشاورزی بپردازیم. در کشور تعریف دقیقی از بخش کشاورزی نداریم. شاید تنها



### ◆ به‌طور مشخص در افزایش بهره‌وری در تولید محصولات چینی چون پسته، خرما و تریبار چه اقدامات مفید و نیز چه غفلت‌هایی صورت گرفته است؟

قطعاً محصولاتی مثل پسته و خرما با توجه به سابقه دیرینه‌ای که در کشور ما دارند و همچنین تجربه بسیار مناسبی که در بین تولیدکنندگان وجود دارد، می‌توانند به‌عنوان یک نمونه مناسب برای توسعه زنجیره ارزش با استفاده از فناوری‌های هوشمند مدنظر قرار گیرند، اما نکته اساسی این است که این فناوری‌ها باید توسط مؤسسات تحقیقاتی و دانشگاه‌ها از طریق سرمایه‌گذاری مناسب، تولید و توسعه یابند. اگر روند سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را طی ۶۰ سال گذشته بررسی کنیم به این نتیجه می‌رسیم که سهم سرمایه‌گذاری انجام شده در این بخش از کل سرمایه‌گذاری انجام شده در کلیه بخش‌های اقتصادی نه‌تنها به بیش از ۵ درصد نرسیده است، بلکه ترکیب این سرمایه‌گذاری هم حاکی از این است که این سرمایه‌گذاری‌ها کمتر در فناوری و نوآوری بوده است؛ بنابراین یک تغییر نگرش و رفتار اساسی از سمت سیاست‌گذار برای آماده‌سازی بسترهای مناسب به‌منظور افزایش سرمایه‌گذاری‌ها به سمت فناوری‌های هوشمند به تغییر اقلیم باید صورت پذیرد. ◆◆

رد پای آب حساب کنیم، آن موقع می‌توان تصویر دقیق‌تری از میزان مصرف آب و ارزش صادراتی به دست آورد. قطعاً کاهش رد پای آب در کل زنجیره ارزش نیازمند ورود فناوری‌های غیر آب‌بر، در کل زنجیره است و نه فقط در حلقه تولید.

### مهم‌ترین چالش‌های فضای اقتصاد کشاورزی کشور چیست و راهکار پیشنهادی رفع این ناهمواری‌ها چیست؟

شاید مهم‌ترین چالش در حوزه فضای اقتصادی کشور، عدم به‌کارگیری مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها است. به عبارت بهتر تصمیمات به‌گونه‌ای در سطح کلان گرفته می‌شود که منافع کل فعالان زنجیره ارزش که قطعاً دارای تعارض است به یک مصالحه منجر به منفعت جمعی نمی‌انجامد. نتیجه این‌گونه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری همیشه منجر به متضرر شدن عده‌ای از فعالان زنجیره و منتفع شدن عده‌ای دیگر می‌شود. این مسئله را ما می‌توانیم در کلیه تصمیمات و سیاست‌های اقتصادی از سطح کلان تا سطح خرد مشاهده نماییم.

### ◆ برآیند نتایج سیاست‌های خودکفایی کشاورزی بویژه از نوع سنتی آن چیست؟

قطعاً کلیه مطالعات حاکی از این است که در آینده به دلایل متعدد، بازار محصولات اساسی و راهبردی که نقشی اساسی در تأمین امنیت غذایی کشورها دارند با چالش‌های اساسی روبه‌رو خواهد بود؛ بنابراین یکی از دغدغه‌های همه کشورهای دنیا تأمین امنیت غذایی با اتکا به تولید داخل و با حفظ پایداری منابع طبیعی و تنوع زیستی است. تنها راه دستیابی به هدف فوق توسعه کشاورزی هوشمند به تغییر اقلیم و سیاست‌های حمایتی مناسب در این رابطه است. بنابراین با فناوری‌های سنتی عملاً خودکفایی، امنیت غذایی و پایداری منابع پایه، برای تولید محصولات کشاورزی و غذا حاصل نمی‌شود.

را باید داشته باشد. از نظر اینجانب با توجه به نوع سیاست‌گذاری دولت‌ها در حوزه زنجیره‌های ارزش در ایران، بخش خصوصی کارنامه قابل‌قبولی از خود ارائه داده است.

### ◆ شما چه ارزیابی از مصرف نهاده‌های کشاورزی و بهره‌وری در ایران و کشورهای پیشرو دارید؟

ما دو بحث مصرف نهاده و بهره‌وری را باید از یکدیگر جدا کنیم. همان‌طور که می‌دانید بهره‌وری از دو جنبه قابل ارزیابی و اندازه‌گیری است. جنبه اول بهره‌وری جزئی نهاده است؛ به‌طور مثال به ازای هر مترمکعب آب چقدر محصول تولید می‌شود؟ یا به ازای هر کیلوگرم خوراک چه مقدار گوشت تولید می‌شود. بدیهی است آنچه باید مدنظر قرار گیرد، بهره‌وری جزئی نیست، بلکه بهره‌وری کل عوامل تولید است که جنبه دوم بهره‌وری است. در مقایسه با سایر کشورها بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران پایین‌تر از کشورهای هم‌تراز ایران از لحاظ منابع پایه است که دلیل اصلی آن عدم نفوذ کامل دانش و فناوری در زنجیره ارزش محصولات کشاورزی است.

### ◆ مصرف آب کشاورزی در ایران نسبت به ارزش صادرات کشاورزی‌اش را با کشورهای پیشرو در امر کشاورزی چطور مقایسه، ارزیابی و راه کار ارائه می‌نمایید؟

وقتی راجع به مصرف آب کشاورزی صحبت می‌کنیم، باید توجه داشت که منظور ما مصرف آب کشاورزی در سطح مزرعه یا در حلقه تولیدی نیست، بلکه از لحاظ علمی باید به رد پای آب و به عبارت دیگر میزان آب مصرف شده در کل زنجیره ارزش از زن تا سلول توجه کرد؛ بنابراین تولیدکنندگان کشاورزی که همیشه متهم به استفاده نابجا یا غیر بهره‌ور از آب هستند، تنها استفاده کننده آب نیستند؛ به‌طور مثال آبی که در جریان حمل‌ونقل یا فرآوری محصول و یا حتی در سطح مصرف‌کننده نیز استفاده می‌شود باید در رد پای آب مدنظر قرار گیرد؛ بنابراین اگر ارزش صادرات را نسبت به میزان